



A Comparative Study of Compensation Methods for Moral Damages in the Legal System of Iran and England

Aref Rashnudi

Ph.D. in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran

بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

عارف رشنودی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

Arefrashnudi@gmail.com

Yusuf Ahmadi

Judge of Justice, Senior Expert in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author)

یوسف احمدی

قاضی دادگستری، کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

jozef.ahmadi@yahoo.com

Abstract

One of the basic challenges in the legal systems of the world, including written, customary and Islamic legal systems, how to compensate moral damages. The most important challenge in the field of moral damage compensation is the method of compensation. In other words, due to the non-financial nature of the moral damage, there is no optimal and consensus method to compensate the damage. In this regard, Iran's legal system is not exempt and faces many challenges. Therefore, with the comparative demand of Iran's legal system with England, methods of compensation have been investigated and the achievements of this research include clarifying the situation; acceptance of compensation for moral damages in the legal system of Iran and England, Material and non-material methods of compensation for moral losses, The quality of moral damage compensation in the Iranian legal system is compared to the English legal system.

Keywords: Methods of Compensation, Moral Damage, Immaterial Methods, Material Methods, Legal System of Iran and England.

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در نظام‌های حقوقی دنیا اعم از نظام حقوقی نوشته، عرفی و اسلامی، چگونگی جبران خسارات معنوی می‌باشد. مهم‌ترین چالش در زمینه جبران خسارت معنوی، طریقه جبران خسارت است. به عبارت دیگر با توجه به غیرمالی بودن ماهیت خسارت معنوی، روش مطلوب و مورد اجماعی جهت جبران خسارت پیش‌بینی نشده است. در این رابطه نظام حقوقی ایران مستثنی نبوده و با چالش‌های عدیده مواجه می‌باشد، از این رو با مطالعه تطبیقی نظام حقوق ایران با انگلستان شیوه‌های جبران خسارات مورد بررسی قرار گرفته است و دستاوردهای این پژوهش شامل مشخص شدن وضعیت پذیرش جبران خسارات معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، شیوه‌های مادی و غیرمادی جبران خسارات معنوی و کیفیت جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی انگلستان می‌باشد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های جبران، خسارت معنوی، شیوه‌های غیرمادی، شیوه‌های مادی، نظام حقوقی ایران و انگلستان.

ارجاع:

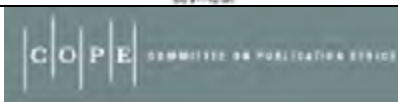
رشنودی، عارف؛ احمدی، یوسف؛ (۱۴۰۲)، بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC ND



مقدمه

خسارت را از یک منظر می‌توان به به خسارت مادی و غیرمادی تقسیم بندی نمود. خسارت غیرمادی نیز خود به دو قسم خسارت غیرمادی فیزیکی و خسارت غیرمادی غیرفیزیکی تقسیم می‌شود. با این توضیح که خسارات در برخی از موارد هر چند غیرمادی هستند اما به راحتی قابل رویت هستند، مانند خساراتی که به بدن وارد می‌شود. اما در مقابل برخی از خسارات با وصف غیرمادی، اما فیزیکی نیستند. به عبارت دیگر خسارت به روح و روان افراد وارد گردیده به همین دلیل این نوع از خسارات را خسارت معنوی نیز گویند. در نتیجه در تبیین رابطه خسارت غیرمادی و خسارت معنوی می‌توان بیان نمود که رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است. زیرا هر خسارت معنوی نوعی خسارت غیرمادی است، اما هر خسارت غیرمادی خسارت معنوی نمی‌باشد (حسینی مدرسی و گلشنی، ۱۳۹۲، ۳۱).

خسارت‌های غیرمادی و خسارت معنوی، در حقوق داخلی بیشتر کشورها و در حقوق بین‌الملل از اهمیت خاصی برخوردارند. ضرورت بررسی جبران خسارت معنوی از آنجا ناشی می‌شود که اولاً، چنین ضررهایی همیشه رابطه‌ای مستقیم با شخص خطاکار ندارد و ثانیاً، در بیشتر موارد محسوس نبوده و اندازه‌گیری آن مشکل است. مضاف بر این چگونگی جبران و نحوه ارزیابی آن نیز در قوانین تعیین نشده است. در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف راهکارهایی برای جبران خسارت معنوی در نظر گرفته شده؛ اما ملاک و معیار ثابت و مشخصی در باب شیوه‌های جبران خسارت معنوی ارائه نشده است. ضمن این که باید توجه نمود، چنین خسارت‌های غیرمحسوسی صرفاً با پرداخت وجه جبران نمی‌گردد.

در فقه امامیه هر چند با ایجاد نهاد دیه، جبران خسارت بدنی پیش‌بینی شده است، اما روش شناخته

شده‌ای برای جبران ضررهای معنوی وجود ندارد. علیرغم عدم پیش‌بینی قاعده مسلمی در فقه برای جبران خسارت معنوی، قابلیت جبران خسارت معنوی و نحوه جبران آن با استفاده از قاعده لاضرر، قابل توجیه می‌باشد. متأسفانه علاوه بر فقه امامیه، قوانین ایران نیز در زمینه طرق جبران خسارت معنوی مبهم می‌باشند، زیرا علیرغم پذیرش و شناسایی اصل جبران کامل خسارت^۱ مقرر صریحی در مورد روش‌های جبران خسارت پیش‌بینی نشده است. با توجه به این که در فقه امامیه خسارت معنوی با توجه به قاعده لاضرر قابل جبران بوده اما روشی برای آن پیش‌بینی نشده به نظر می‌رسد بتوان شیوه‌های متداول در حقوق عرفی و موضوعه را به کار بست، زیرا روش‌های جبران خسارت معنوی، امور نسبی و برآیندی از اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصر می‌باشند و از سکوت و عدم ردع شارع می‌توان رضایت و حکم شرعی را دریافت. از این رو پذیرش جبران مالی و انواع جبران‌های غیرمالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه امامیه قابل توجیه و دفاع می‌باشد.

روش‌های متداول جبران خسارت غیرمالی براساس متون قانونی موجود بدین شرح است: موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر؛ عذرخواهی شفاهی از خسارت دیده؛ عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتذار در جراید؛ اعاده حیثیت از خسارت دیده به هر نحو دیگر؛ پرداخت مال یا ما به ازای مادی به خسارت دیده. با وصف مراتب یاد شده فوق، نظر به این که خسارت معنوی وارده به اشخاص مختلف متفاوت بوده و هدف جبران خسارت معنوی تسلی خاطر این افراد و دفع لطمات روحی وارده به آنان است، قانون نمی‌تواند تمامی روش‌های جبران خسارت را پیش‌بینی نماید، بلکه قانون صرفاً مهم‌ترین مصادیق آن را تعیین می‌نماید. رویه قضایی باید با توجه به شرایط هر پرونده حسب مورد روش جبران خسارت مالی را مورد نقد و بررسی قرار دهد. امری که در نام حقوقی ایران کاملاً مغفول مانده و رویه قضایی در این زمینه کاملاً منفعلانه عمل می‌نماید. به نظر می‌رسد توجه به کشورهای حقوق عرفی همچون انگلستان این نقص نظام حقوقی و قضایی ایران در زمینه خسارت معنوی بیشتر قابل توجه و درک باشد، مضاف بر این با توجه به این که نظام حقوقی انگلستان در این زمینه پیش‌گام می‌باشد. به همین دلیل در این پژوهش به بررسی راهکارهای جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان خواهیم پرداخت. سوالات اساسی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده شامل: شیوه‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان چگونه است؟ اصولاً طرق جبران غیرمالی خسارت معنوی حصری است یا تمثیلی؟ کیفیت جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی انگلستان، چگونه است؟

۱- امکان سنجی و شرایط خسارت معنوی قابل مطالبه

با توجه به ماهیت پیچیده خسارت معنوی، در زمینه چگونگی جبران خسارت معنوی، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی با توجه به ویژگی‌های خسارت معنوی از قبیل، قابل تقویم نبودن به پول و غیراخلاقی بودن مطالبه پول در قبال تألم روحی، بر این باور هستند که خسارات معنوی قابل جبران نیستند (حسینی نژاد، ۱۳۸۹، ۴۵). در مقابل برخی با تأکید بر این مطلب که از نظر انطباق با قاعده کلی «هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند»، هر شخصی که به واسطه عمل دیگری متضرر شود و یا منفعی را از دست بدهد، مسبب ضرروزیان مسئول جبران خسارت وی می‌باشد و فرقی نمی‌کند که این نفع از حقوق مکسبه بوده و به موجب قانون به وی اعطاء شده باشد، یا این که یک نفع عملی مشروع، بلکه صرف مشروعیت نفع برای مطالعه جبران آن کافی است.

مبنای احترامی که قانون برای دارایی مادی یا معنوی اشخاص قائل شده این است که هیچ کس نمی‌تواند با قطع جریان منافع دیگری و یا سلب مالکیت وی را متضرر سازد و فرقی نمی‌کند که این منافع ناشی از مال باشد یا از یک موقعیت و امتیاز اجتماعی و یا از کار و تلاش خود و یا شخص ثالثی مانند نفقه‌ای که شوهر به همسر خود می‌پردازد و مستمری که برادر توانمند به برادر ناتوان خویش پرداخت می‌نماید. در برخی از نظام‌های حقوقی همچون انگلستان، به صورت کلی برای اشخاص حق ایمنی شناسایی شده است. براساس این حق هر اقدامی که این حق اشخاص را مخدوش نماید، ممنوع بوده و برای خاطی مسئولیت ایجاد می‌نماید، که یکی از این نوع از مسئولیت، مسئولیت مدنی است (داراب پور، ۱۳۸۷، ۷۲).

مهم‌ترین چالش در زمینه جبران خسارت معنوی، طریقه جبران خسارت است. به عبارت دیگر با توجه به غیرمالی بودن ماهیت خسارت معنوی، روش مطلوب و مورد اجماعی جهت جبران خسارت پیش بینی نشده است. همین چالش باعث گردیده است که در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، جبران مالی خسارت معنوی، لزوماً پس از تصریح قانونگذار مورد پذیرش قرار گیرد که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، خسارت معنوی ناشی از جرم است.^۲ هر چند طریقه جبران خسارت معنوی به عنوان یک چالش اساسی در زمینه خسارت معنوی قابل طرح است، اما علت این چالش را باید در عدم امکان ارزیابی خسارت معنوی بیان نمود. زیرا قدم اول برای جبران هرگونه خسارتی، ارزیابی میزان خسارت وارده است. در حالی که در خسارت معنوی امکان ارزیابی خسارت مورد به شدت مورد مناقشه می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷، ۸۰).

۲- به عنوان مثال، در برخی از کشورها، لزوم جبران خسارات غیرمالی حتی نسبت به اطرافیان اشخاص آسیب‌دیده و یا فوت شده، مورد تأکید قرار گرفته است (Zimmermann, 2011, 711).

هرچند در قوانین ایران مبحث خاصی به جبران خسارت معنوی اختصاص داده نشده است، اما برخی بر این باور هستند که با توجه به این که شورای نگهبان^۳ به صورت کلی مطالبه خسارت معنوی را خلاف موازین شرعی اعلام نکرده و از طرفی اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی و برخی از قوانین عادی به صراحت مطالبه خسارت معنوی را جایز می‌دانند و شورای نگهبان این قوانین را خلاف شرع اعلام نکرده است، باید گفت مطالبه خسارت معنوی در حقوق ایران جایز است (اصغری آق‌مشهدی، ۱۳۸۲، ۳۶). خوشبختانه شورای نگهبان از نظر خود در مورد خسارت معنوی عقب نشینی کرده و در ماده «۱۴»^۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً خسارت معنوی را با قیودی، قابل جبران دانسته است. هرچند که متن ماده مزبور، دلالت بر جبران خسارات معنوی در قالب ضرروزیان ناشی از جرم دارد ولی تبصره اول^۵ همین ماده، به گونه‌ای تنظیم شده که بیانگر یک قاعده کلی در خصوص جبران خسارات معنوی است. این ماده خسارت ناشی از جرائم موجب دیه و تعزیرات منصوص شرعی را از شمول اصل جبران کامل خسارات خارج کرده است، بدون آن که تعریفی جامع از خسارت معنوی و تعزیرات منصوص شرعی ارائه داده باشد. براساس این ماده مطالبه خسارت معنوی و منافع ممکن‌الحصول در جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه فقط در مواردی که حکم به خسارت مالی نباشد، امکان‌پذیر است. محدودیت اعمال‌شده در تبصره دوم ماده مذکور، شامل منفعت ازدست‌رفته در جرائم علیه اموال نبوده و می‌توان آن را مطالبه کرد و مصادیق تعزیرات منصوص شرعی با توجه به روایات، نمی‌تواند شامل از دست رفتن منافع ممکن‌الحصول شود و در جرائم موجب قصاص، حد و تعزیر غیرمنصوص شرعی منافع ممکن‌الحصول و خسارت معنوی قابل مطالبه و مطابق ماده مذکور منظور مقنن جبران خسارت معنوی به وجه مادی و غیر آن است (هدایتی محبوب و اسدی، ۱۳۹۸، ۹).

۳- شورای نگهبان در زمان تصویب ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ جبران ضرروزیان معنوی ناشی از جرم را خلاف شرع تشخیص داد و در نتیجه در این قانون صرفاً به خسارات مادی اشاره شده بود. همین اقدام شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی، باعث گردید که جبران خسارت معنوی در رویه با تردیدی جدی مواجه شود، هرچند که برخی با استدلالاتی همچون عدم نفی خسارت معنوی در قانون مذکور و با استناد ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ خسارت معنوی را قابل مطالبه می‌دانستند (رحیمی، ۱۳۹۲، ۱۳۲).

۴- ماده ۱۴: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرروزیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

۵- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

۱-۱- شرایط عمومی خسارات معنوی قابل مطالبه

ضرری قابل مطالبه است که واجد برخی ویژگی‌ها باشد. در ادامه شرایط ضرر قابل مطالبه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱-۱- مسلم بودن ضرر

یکی از شرایط ضرر قابل مطالبه، مسلم بودن ضرر است. به عبارتی زیان وارده به متضرر حتمی، قطعی و مسلم باشد. آنچه که عامل زیان ایجاد مسئولیت می‌نماید، خساراتی است که در اثر فعل او، به شخص زیان دیده، یا اموال او وارد آمده است و بنابراین، برای متضرر باید ورود چنان زبانی مسلم باشد؛ تا درخواست ترمیم آن را داشته باشد. در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز جزمی بودن یکی از شرایط اقامه دعوی دانسته شده است. براساس بند نهم ماده ۸۴ قانون فوق، هرگاه دعوی جزمی نبوده، بلکه ظنی یا احتمالی باشد؛ با ایراد خواننده، منتهی به صدور قرار رد دعوی یا عدم استماع دعوی خواهد شد. بنابراین مسلم نبودن و قطعی نبودن خواسته، مانع از رسیدگی دعوی توسط دادگاه خواهد بود.

لازم به ذکر است منظور از جزمی بودن خسارت، صرفاً قابل مطالبه بودن خساراتی که در لحظه وقوع فعل محقق شده‌اند نیست، بلکه خساراتی را نیز که هنوز در عالم خارج محقق نشده‌اند، اما اطمینان از حدوث آن در آینده می‌رود؛ می‌توان مطالبه کرد. بر این اساس، مسلم بودن را نایستی در قلمرو وقوع پیوستن ضرر در لحظه صدور فعل، تحدید نمود. بلکه خسارات آینده را هنگامی که وقوع آن مسلم باشد، می‌توان مسلم دانست. برای مثال، در صدمات بدنی آسیب وارد شده به شخص زیان دیده ممکن است، افزایش یافته و یا مسلم باشد که موجب از کار افتادگی کلی یا جزئی خواهد شد، به عبارتی بخشی از خسارت ناشی از آسیب، تدریجاً در آینده به وقوع می‌پیوندد و احتمال وقوع آنان بسیار قوی است، هرچند که دادگاه در زمان صدور حکم میزان دقیق آن را در آینده، نتواند تخمین بزند، اما در اصل ورود خسارت و پذیرش آن شکی نیست و تعیین و ارزیابی خسارت و محاسبه آن به عهده دادگاه است.

۱-۱-۲- مستقیم بودن ضرر

منظور از مستقیم بودن ضرر این است که زیان حادث بر زیان دیده باید مستقیماً و بلاواسطه ناشی از فعل عامل زیان باشد، تا بتوان زیان را به او مستند کرد. بنابراین ضرر مورد مطالبه در صورتی که دارای این شرط نباشد، قابل جبران نمی‌باشد. ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در این رابطه مقرر می‌دارد: «در خصوص خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه

خسارت را رد خواهد کرد». همچنین ماده ۴ «آیین نامه اجرایی ماده (۳) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (بیمه حوادث راننده مسبب حادثه) مصوب ۱۳۹۶»^۶ نیز به مستقیم بودن ضرروزیان اشاره می‌دارد.

۳-۱-۱- عدم جبران ضرر

در مواردی که خسارت زیان دیده به هر وسیله‌ای جبران شده باشد مسئله جبران مجدد آن منتفی می‌گردد، زیرا دیگر ضرری باقی نمانده که بتوان آن را جبران نمود. برای مثال بر فرض شناختن مسئولیت تضامنی محض برای تولیدکنندگان و توزیع کنندگان دارو اگر یکی از توزیع کنندگان خواه شرکت‌های توزیع کننده دارو یا فروشندگان دارو خسارت مصرف کننده را جبران کرده باشند، مصرف کننده نمی‌تواند مجدداً برای جبران همان خسارت به تولید کننده دارو مراجعه کند.

۴-۱-۱- قابل پیش بینی بودن ضرر

نه تنها در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، بلکه در هیچ قانون دیگری ذکری از قابل پیش بینی بودن ضرر به عنوان شرط مطالبه جبران خسارت به میان نیامده است. ولی در متون فقهی مواردی یافت می‌شود که صریحاً یا تلویحاً به آن اشاره گردیده است. چنانکه علامه در تذکره و محقق ثانی در جامع‌القاصد، غیرمنتظره بودن وزش باد را در خصوص شخصی که در ظرف را باز گذارد و باد آن را واژگون سازد و بریزد را موجب سقوط مسئولیت وی دانسته‌اند. برخی دیگر با تفسیر و تأویل ضرر مستقیم و بلاواسطه به ضرر قابل پیش بینی، شرط مزبور را برای اقامه دعوی مسئولیت لازم دانسته‌اند (موحد، ۱۳۵۲، ۳۲۷).

عدالت و انصاف حقوقی نیز مؤید همین مطلب است و نمی‌توان کسی را نسبت به آنچه غیر معلوم و غیر قابل پیش بینی است مسئول دانست. برای مثال چنانچه تولید کننده دارو، دارویی را که مطابق علم و دانش داروسازی آن زمان دارویی مناسب شناخته می‌شده و دانش داروسازی آن دارو را معیوب و خطرناک نمی‌دانسته است تولید کند و بعد از گذشت مدتی از عرضه این دارو تحقیقات نشان دهد که این دارو به علت آسیب رساندن به بدن دارویی خطرناک تلقی می‌شود، تولید کننده برای دفاع از خود باید

۶- ماده ۴: میزان تعهد بیمه‌گر در هر حادثه برای جبران خسارت فوت، معادل مبلغ مندرج در بیمه‌نامه و برای جبران خسارت جرح و یا صدمه بدنی، برابر با حاصل ضرب درصد دیه یا ارزش تعیین شده در مبلغ مندرج در بیمه‌نامه است. هزینه معالجه بیمه شده نیز بر اساس تعرفه‌های مصوب هیأت وزیران و با رعایت ماده (۳۵) قانون تحت پوشش بیمه می‌باشد. در هر حال مجموع خسارت بدنی قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه در هر حادثه از مبلغ بیمه مندرج در بیمه‌نامه بیشتر نخواهد بود.

ثابت کند که وضعیت علم و دانش در زمان تولید دارو به گونه‌ای بوده است که نه تنها وی بلکه هیچ داروساز و تولیدکننده دارو نمی‌توانسته آن عیب را کشف کند. اما علیرغم وجود این مباحث ما مجبور نیستیم در پی یافتن تصریح یا تأویلی برای گنجاندن شرط مزبور در زمره شرایط ضرر قابل جبران باشیم، بلکه با توجه به این که برای ایجاد مسئولیت باید بین فعل زیان بار و ضرر رابطه وجود داشته باشد و چون در ضرر غیرقابل پیش‌بینی عرفاً رابطه سببیت وجود ندارد در نتیجه، این ضرر قابل جبران نمی‌باشد. اگر این را بپذیریم که عرف ضرری را که قابل پیش‌بینی نمی‌باشد ضرر تلقی نمی‌کند و یا این که غیرقابل انتساب به تولیدکننده می‌داند، این شبهه که در صورت پذیرفتن شرط قابل پیش‌بینی بودن ضرر، مسئولیت محض بی‌معنا می‌شود نیز دفع می‌گردد. زیرا در این صورت تقصیر یا عدم تقصیر تولیدکننده مهم نیست بلکه آنچه مهم است انتساب یا عدم انتساب ضرر به فعل تولیدکننده است و نه چیز دیگر.

۱-۲- شرایط اختصاصی خسارات معنوی قابل مطالبه

با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، می‌توان بر این باور بود که قانونگذار خسارت معنوی را در برخی از زمینه‌ها رد نموده است. براساس تبصره دوم^۷ ماده ۱۴ قانون فوق، مقررات مرتبط با منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود. براساس این تبصره در دیات، امکان مطالبه خسارت معنوی وجود ندارد. علت نحوه تنظیم ماده ۱۴^۸ را باید در ایراد شورای نگهبان جستجو نمود. زیرا براساس نظر شورای نگهبان قبول اصل جبران خسارت معنوی، حکم به خسارت مالی در مواردی که از نظر شرع یا قانون، تعزیر و دیه تعیین و در دادگاه در مورد آن حکم صادر شده، خلاف موازین شرع است. همچنین این شورا پرداخت خسارت‌های مازاد بر دیه را، خلاف موازین شرع اعلام نمود. به همین دلیل قانونگذار اقدام به اصلاح ماده ۱۴ به شکل کنونی نمود.^۹ این درحالی است که پرداخت خسارت مازاد بر دیه در ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب

۷- تبصره ۲: منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع

ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.

۸- ماده ۱۴: شاکي می‌تواند جبران تمام ضرروزیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

۹- ر.ک: خالقی، علی، ۱۳۹۵، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات شهر دانش.

۱۰- ماده ۵: اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحد تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص این که به چه اندازه و تا چه میزان و

۱۳۳۹ مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین ماده ۱۱۶ این قانون نیز فرض دیگری مطرح می‌نماید که واردکننده خسارت علاوه بر دیه مکلف به جبران کلیه خسارت مذکور در این فرض نیز می‌باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به موخرالتصویب بودن قانون آیین دادرسی کیفری و تصریح قانونگذار بر نسخ مواد مغایر در انتهای ماده ۵۷۰ این قانون، باید بر این باور بود که مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تا حدودی که با ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن مغایرت دارد (در مورد منافع ممکن الحصول و خسارت معنوی)، نسخ ضمنی گردیده است. لازم به ذکر است که در خسارت معنوی نیز همانند سایر خسارات، خسارت وارده باید نامشروع باشد. در غیر این صورت و در فرضی که خسارت وارده مشروع باشد، نمی‌توان حکم به جبران خسارت معنوی نمود. «بنابراین هرگاه خسارت معنوی از عملی نشأت گرفته باشد که نتوان آن را نامشروع و فاقد مجوز قانونی نامید، قابل جبران نخواهد بود. برای مثال هرگاه در اثر حکم مقامات صلاحیتدار و طبق قانون، مأموران دولتی اقدام به نصب تابلویی کنند که حاکی از تعطیلی مغازه به جرم گرانفروشی و یا تخلف دیگر او نمایند، دارنده مغازه نمی‌تواند از مأموران یاد شده، تقاضای جبران خسارت معنوی خود را کند با این ادعا که از آنجایی که اقدامات مأموران قانونی باعث هتک حیثیت و آبروی بنده شده است، بایستی به جبران خسارت معنوی بنده پردازید» (اسماعیلی، ۱۳۷۷، ۴۲). همچنین در موردی که خانواده مقتول در راستای حق قانونی خود اقدام به قصاص قاتل نمایند، خانواده قاتل نمی‌تواند خسارات روحی که در نتیجه اعدام عضو خانواده خود به آن‌ها وارد می‌شود را از خانواده مقتولی که راستای اعمال حق قانونی خویش برآمده‌اند، مطالبه نمایند.

با تحقق شرایط و ارکان مسئولیت، عامل ورود خسارت در برابر زیان‌دیده مسئولیت مدنی پیدا می‌کند و باید به نحو مناسب به جبران خسارت پردازد و تا زمانی که بر این تعهد خود عمل ننموده است در برابر

تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت.

۱۱- ماده ۶: در صورت مرگ آسیب‌دیده زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می‌باشد اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب‌دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری می‌نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمري متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است. در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمري را خواهد داشت.

زیان‌دیده مسئول است. با وجود ایراد خسارت، این مسئولیت ممکن است به عللی رفع یا کاهش یابد. معافیت عامل از مسئولیت مدنی یا کاهش مسئولیت او ممکن است ناشی از دخالت اسباب خارجی یا عوامل توجیه‌کننده خسارت (مباح ساختن اضرار) یا قرارداد بین عامل و خسارت دیده در رابطه با معافیت یا کاهش مسئولیت، یا کمک به زیان‌دیده یا عسرت و تنگدستی عامل زیان باشد. در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، برخی از این اسباب برشمرده شده است. از دیگر عواملی که منجر به معافیت از مسئولیت می‌شود، قوه قاهره است. بر این اساس، هرگاه حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی و احترازناپذیر، علت منحصر وقوع حادثه زیان‌بار باشد، رابطه بین فعل خواننده و ضرر قطع و مسئولیتی نخواهد داشت. علاوه بر قوه قاهره، تقصیر زیان‌دیده نیز از دیگر عوامل معافیت از مسئولیت قلمداد می‌شود. بنابراین هرگاه پس از وقوع حادثه زیان‌بار، زیان‌دیده با وجود امکان احتراز از گسترش دامنه خسارت، اقدامی در جهت جلوگیری از آن به عمل نیاورد، به نظر می‌رسد، خسارت بین عوامل ایراد خسارت تقسیم می‌شود و دادرس باید به تناسب اهمیت نقشی که خطای هریک از خواهان و خواننده در ایجاد خسارت ایفاء می‌کند خسارت را تقسیم کند.

در حقوق ایران، بند دوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۱۶۵^{۱۴} قانون دریایی

۱۲- ماده ۴: دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در مورد زیر تخفیف دهد: ۱- هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان‌دیده کمک و مساعدت کرده باشد. ۲- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود. ۳- وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.

۱۳- ماده ۱۵: کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارات بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر این که خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

۱۴- ماده ۱۶۵: تناسب خسارات. الف- اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند مسئولیت هر یک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است. معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیر یا شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد طرفین به نسبت متساوی مسئول خواهند بود. ب- خسارات وارد به کشتی‌ها، بار آنها، اشیاء و اموال متعلق به کارکنان کشتی و مسافران و اشخاص دیگری که در کشتی باشند به نسبت مذکور در بند الف این ماده به عهده کشتی‌هایی است که تقصیر متوجه آنها است و کشتی نسبت به جبران خسارات اشخاص ثالث بیش از نسبت فوق مسئول نخواهد بود. ج- کشتی‌های مقصر نسبت به خسارات ناشی از فوت و صدمات بدنی در مقابل اشخاص ثالث منفرداً و متضامناً مسئول هستند و باید خسارات وارده را جبران نمایند. اگر مبلغ پرداختی هریک از مسئولان بیش از مبلغی باشد که به سهم مسئولیت او تعلق می‌گیرد نسبت به مبلغ اضافه حق مراجعه به مسئول یا مسئولان دیگر را خواهد داشت.

مصوب ۱۳۴۳ درجه تقصیر را معیار تقسیم مسئولیت مدنی معرفی کرده‌اند و بند سوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز در راستای این نظریه قابل تفسیر و توجیه است. براساس این بند، مداخله زیان‌دیده در تسهیل ایراد زیان با اضافه شدن آن موجب محرومیت او از جبران تمام خسارت به وسیله فاعل زیان کار خواهد شد. تشخیص اهمیت فعل یا تقصیر زیان‌دیده و کاهش خسارت به تناسب اهمیت آن براساس قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بر عهده دادرس قرار داده شده است.

در نهایت متذکر می‌شود، رضایت زیان‌دیده را نمی‌توان رافع مسئولیت مدنی به شمار آورد و قاضی باید با توجه به اوضاع و احوال مربوط به رضایت به تخفیف خسارت حکم کند. همچنین هیچ کس نمی‌تواند رضایت دیگری را وسیله استهزاء و تحقیر دیگری قرار دهد. از این رو با اباحه و اعلام رضایت قبلی، زیان‌دیده نسبت به ایراد خسارت، حق او ساقط نمی‌شود. زیرا این رضایت عفو امری است که هنوز اسباب آن تحقق نیافته و الزام پیدا نکرده است و فقها تصریح کرده‌اند چنانچه کسی قذف خویش را از ناحیه دیگری اباحه کرده باشد، حق او از حد قذف ساقط نمی‌شود (مجلسی، ۱۳۶۳، ۴۳۴).

۲- جایگاه خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

در این قسمت پس از بررسی جایگاه خسارت معنوی در قوانین ایران و انگلستان، به بررسی جایگاه خسارت معنوی در دکترین و رویه قضایی در نظام حقوقی ایران و انگلستان خواهیم پرداخت.

۲-۱- خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران

حقوق ایران نیز همانند سایر کشورها، خسارت معنوی را مورد شناسایی قرار داده است. خسارت معنوی قبل از انقلاب نخستین بار در ماده ۲۱۲^{۱۵} قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و سپس در ماده ۴^{۱۶} قانون

۱۵- ماده ۲۱۲: هر کس مرتکب یکی از جرم‌های مذکور در ماده ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازات مقرر به تادیه خسارات معنوی مجنی‌علیه که در هر حال کمتر از پانصد ریال نخواهد بود محکوم می‌شود. به نفع مجنی‌علیها که فحشاء اخلاقی او مسلم باشد حکم خسارات داده نخواهد شد. در مورد جنحه و جنایات مذکور در مواد ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۸ مکرر و فقره دوم ماده ۲۱۲ اگر ازدواج بین مرتکب و مجنی‌علیها ممکن بوده و این ازدواج به عمل آید متهم و شرکاء یا معاونین او اگر باشند از تعقیب و مجازات معاف خواهند شد.

۱۶- ماده ۴: محکوم‌علیه علاوه بر خساراتی که به موجب مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ اصول محاکمات جزایی باید بپردازد به عنوان هزینه دادرسی نیز مبلغی که در ماده ۲ ذکر شده محکوم خواهد شد و به علاوه در صورت تقاضای متضرر از جرم دادگاه با توجه به نوع جرم و میزان تأثیر آن و حیثیت طرف به عنوان خسارت معنوی محکوم‌علیه را به پرداخت مبلغی که متناسب بداند محکوم خواهد نمود که به مشارالیه بپردازد.

اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۲۸ مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر این قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز در ماده یک^{۱۷} خود، خسارت معنوی را شناسایی نمود. پس از انقلاب نیز این نوع از خسارت در اصول بیست و دوم^{۱۸} و یکصد و هفتاد و یکم^{۱۹} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تصریح و پذیرش قرار گرفت. بنابراین چنانچه مثلاً زنی که دچار بیماری پوستی است با تجویز پزشک دارویی را از فروشنده دارو بخرد و در اثر استفاده آن زیبایی خود را از دست بدهد و چهره او زشت شود می‌تواند برای مطالبه خسارت معنوی و افسردگی و لطمه روحی ناشی از کریه المنظر شدن علیه عرضه کنندگان دارو اقامه دعوی نماید. ماده ۲^{۲۰} قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ نیز خسارت معنوی را به رسمیت می‌شناسد.

خسارت و ضرر وارده به مصرف کننده زیان دیده از ناحیه داروی معیوب ممکن است خسارت جسمانی و بدنی باشد. در خصوص خسارت‌های بدنی اعم از دیه و هزینه‌های معالجه پزشکی دامنه بحث گسترده است، مسائلی چون این که آیا دیه خسارت است یا مجازات و اگر خسارت است شامل کلیه خسارات اعم از مادی و معنوی است و آیا در صورت ثبوت وارد آمدن خسارت بیشتر از مبلغ دیه می‌توان این خسارات را جبران کرد یا خیر؟ در این باره مطرح شده است. با توجه به پذیرش خسارت معنوی در قانون اساسی، در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز مورد پذیرش قرار گرفته بود.

۱۷- ماده ۱: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

۱۸- حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۱۹- هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

۲۰- ماده ۲: کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند و اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری پرداخت خسارت از سوی عرضه کننده منتفی است.

تبصره اول^{۲۱} ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز جبران خسارت معنوی را مورد تأیید قرار داده است. ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به خسارت معنوی اشاره نموده و آن را صریحا مورد پذیرش قرار داده است. «قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی نیز مستند دیگر بر قابل مطالبه بودن خسارت معنوی در ایران است. در این ماده واحده، قضات داخلی را به برقراری خسارت تنبیهی بر مبنای رفتار متقابل، معادل آنچه در محاکم خارجی است، توصیه می‌کند و به قضات داخلی اجازه می‌دهد همان‌طور که قضات خارجی مسئولان و اتباع ایرانی را به پرداخت خسارت تنبیهی محکوم می‌کنند بر همان مبنای، در پرونده‌های مشابه در داخل، اتباع و مسئولان خارجی را به پرداخت خسارت تنبیهی محکوم کنند. بر این اساس می‌توان خسارت تنبیهی و ضروریان معنوی را مورد حکم قرار داد؛ در نتیجه جبران خسارت معنوی با رعایت عناصر و شرایط حاکم، یعنی فعل و رفتار زیان بار و ورود زیان، رابطه علیت و سببیت بین این دو، محل تردید نیست.

۲-۲- خسارت معنوی در نظام حقوقی انگلستان

در حقوق انگلستان پرونده‌های متعددی که منجر به صدور حکم مبنی بر جبران خسارت معنوی است مطرح شده است. برای مثال در رابطه با جبران خسارت معنوی بستگان مصدوم در حقوق انگلستان، می‌توان به پرونده فالند علیه بامنت^{۲۳} اشاره نمود. این پرونده در مورد یک حادثه رانندگی سوختگی شدید منجر به فوت است. دادگاه در خصوص خسارت معنوی ناشی از درد و رنج و از دست دادن تعادل در طول یک ماه حیات او، حکم به پرداخت ده هزار لیره به وراث قانونی او نمود (Kemp, 1993, 64). البته باید توجه نمود که برخی از دعاوی مطالبه خسارت معنوی از جمله هتک حیثیت قائم به شخص بوده و با فوت خواهان این دعاواز بین می‌رود. در این کشور صرفا اشخاص زنده حق طرح دعوی هتک حیثیت را

۲۱- تبصره ۱: در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی و حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

۲۲- ماده واحده: برای مقابله و جلوگیری از نقض بیشتر مقررات و موازین حقوق بین‌الملل توسط دولت‌هایی که مصونیت قضائی دولت جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفته و می‌گیرند بند ذیل به عنوان بند (۳) به ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۸ اضافه می‌شود: ۳- با توجه به اصل عمل متقابل میزان در تقویم خسارات مادی و معنوی زیان دیدگان و در صورت لزوم خسارات تنبیهی احکام مشابه صادره از دادگاه‌های خارجی خواهد بود.

دار می‌باشند. برای مثال با فوت رابرت مکس ول^{۲۴} بیش از یکصد دعاوی هتک حیثیت از بین رفت (Socha, 2004, 475). این رویه در قانون هتک حیثیت انگلستان مصوب ۲۰۱۳^{۲۵} نیز مورد تأیید قرار گرفت و اقدام برای شناسایی حق اقامه دعوا از سمت بستگان متوفی با شکست مواجه گردید.

در نظام حقوقی انگلستان دعاوی مربوط به لطمه به احساسات و رنج روانی ناشی از ترس، اضطراب، تحقیر، از دست دادن توانایی سازش با شرایط زندگی، تجاوز به شخصیت و حقوق مربوط به شخص، مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور مشخص از قرن نوزدهم، جبران این گونه خسارت‌ها در ابعاد مختلف از جمله صدمات جسمی، درد و رنج پیش‌بینی شده و رأی دادگاه استیناف در سال ۱۹۶۲ و مجلس اعیان در سال ۱۹۶۴، مبنای جبران خسارت معنوی در صدمات روحی و از دست دادن تعادل فیزیکی محسوب می‌شود (دیانی و ابراهیم باستانی، ۱۳۹۶، ۱۴۴). حقوق انگلستان از شناسایی قاعده کلی برای جبران خسارت‌های معنوی و بدنی امتناع نموده است. در این کشور خسارت جانی وارده با توجه به اوضاع و احوال شخصی و حرفه‌ای و موقعیت مصدوم تعیین می‌شود (Vivienn, 2003, 19). علاوه بر عدم تعیین ضابطه کلی در حقوق انگلستان، در این نظام حقوقی خسارت‌هایی قابل جبران هستند که شرایط ویژه داشته باشند. به عبارت دیگر هر درد و رنجی و تأملی قابل جبران نیست. خسارت‌های قابل مطالبه در حقوق انگلستان غالباً تحت عنوان خسارت‌های در قالب درد و ناراحتی و خسارت ناشی از محرومیت از مواهب زندگی مورد بررسی قرار می‌گیرند.^{۲۶} بنابراین در حقوق انگلستان با توجه به وضعیت هر شخصی و نوع خسارت وارده اقدام به تعیین میزان خسارت وارده خواهند نمود. برای مثال در صورتی که شخصی در نتیجه عملی به کما فرو رود، دادگاه می‌تواند حداکثر میزان خسارت وارده به شخص را تحت عنوان محرومیت از مواهب زندگی و همچنین با توجه به موقعیت و اوضاع و احوال شخصی و حرفه‌ای فرد تعیین نماید (Socha, 2004, 648). در صورتی که خسارت وارده منجر به فوت شخصی گردد و از این جهت به نزدیکان متوفی آسیب‌های معنوی وارد شود، این نوع از خسارت در حقوق انگلستان قابل مطالبه است. در این کشور خسارت ناشی از اخذ صدمات روحی مجنی علیه یک خسارت اصلی قلمداد می‌شود. بخش یک از قانون حوادث کشنده مصوب ۱۹۷۶ مقرر می‌دارد: «قانوناً به پدر و مادر میت در صورتی که مجرد باشد یا به همسر در صورتی که متأهل باشد، از بابت فقدان فرزند یا همسر، مبلغ ده هزار پوند پرداخت می‌گردد». این مبلغ ثابت بوده و از سال ۲۰۰۲ میزان آن از هفت هزار و پانصد پوند به ده هزار پوند تغییر پیدا کرده است (Cees Vandam, 2006, 330).

24- Robert Maxwell

25- Defamation Act 2013

26- Loss of amenity

۳- شیوه‌های مادی جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

بر اساس قاعده لاضرر هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. با توجه به این که خسارت معنوی یکی از شایع‌ترین خسارات مطرح در جامعه است و با توجه به این که در مورد جبران خسارت معنوی اتفاق نظر وجود دارد، بنابراین نحوه جبران خسارت معنوی امری مهم قلمداد می‌شود. بر این اساس، در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسئولیت مدنی وجود داشته باشد، زیان دیده حق خواهد داشت جبران تمام زیان‌های مالی یا معنوی خود را از عامل زیان بخواند و او ملزم به جبران زبانی است که به بار آورده است. از آنجاکه در بسیاری از موارد آثار زیان بار صدمه بر روح و روان شخص، شخصیت و اعتبار اجتماعی و سرمایه معنوی، احساسات و عواطف، رنج و ناراحتی جسمی و روحی، از دست دادن عضو بدنی، یا از کار افتادگی دائم آن و مانند آن به مراتب بیشتر از خسارت‌های مالی است و گاهی منجر به خسارت‌های بزرگ‌تر در اجتماع می‌شود جبران این خسارت‌ها به نحو مناسب از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است و عدالت، انصاف، منطق حقوقی و حکم عقل ایجاب می‌نماید که جبران این قبیل خسارت‌ها مورد توجه جدی قرار گیرد. با توجه به غیرمالی بودن خسارات معنوی بحث در زمینه امکان و عدم امکان جبران خسارت مادی این گونه خسارات جدی است.

به نظر می‌رسد که جبران خسارت در خسارت معنوی عرفی است. بر این اساس روش‌های جبران خسارت نیز نمی‌تواند حصری باشد، زیرا در جبران خسارت معنوی آنچه مهم است جبران خسارت است. بنابراین راه جبران خسارت طریقت دارد نه موضوعیت (مراذاده و رضوی، ۱۳۹۵، ۸). اما هر چند تعیین همه روش‌های جبران خسارت معنوی به صورت حصری امکان ندارد، اما قدر متیقن آن که این روش‌های جبران یا مالی هستند و یا غیرمالی. به عبارت دیگر صرفنظر از این ایرادات روش‌های جبران خسارت را می‌توان در دو دسته کلی جبران خسارت مادی و غیرمادی تقسیم نمود. به همین دلیل به بررسی روش‌های مالی جبران خسارت معنوی خواهیم پرداخت. بنابراین در این قسمت به پرداخت مال یا مابه‌ازای نقدی در جبران خسارت معنوی و سپس به بررسی دستور پرداخت خسارت تنبیهی خواهیم پرداخت.

۳-۱- پرداخت مال یا مابه‌ازای نقدی در جبران خسارت معنوی

در خسارات مادی در مواردی که ترمیم عینی و اعاده به وضعیت سابق غیرممکن است، جبران مالی می‌تواند پاسخگویی زیان‌دیده باشد. برای مثال هرگاه در اثر عملی به اسم تجارتنی شرکتی آسیب وارد شود و آن شرکت بازار خود را به صورت نسبی از دست داده و میزان فروش آن به شدت کاهش یابد، بدیهی است که در این فرض سه اقدام متفاوت باید صورت گیرد. یکی جلوگیری از ترویج اقدام و یا خبری که

باعث از بین رفتن حیثیت تجاری و خدشه به اسم تجاری شرکت متضرر گردیده است. اقدام دیگری که باید صورت گیرد در راستای بازگشت حیثیت تجاری از دست رفته است، اقداماتی همچون عذرخواهی و یا بیان اصل خبر در فضای مجازی و یا از طریق جراید می‌تواند در این زمینه راه گشا باشد و در نهایت جبران خسارت نسبت به گذشته که با از بین رفتن بازار، شرکت موفق به فروش محصولات خود نگردیده که اتفاقاً در این فرض محاسبه خسارت وارده با توجه به میزان فروش قبلی شرکت و در نتیجه تعیین میزان خسارت وارده امری کاملاً ممکن و راحت خواهد بود.

اما در صورتی که به حقوق غیرمالی اشخاص، آسیبی وارد شود، پرسش اساسی که نیازمند تبیین است این است که آیا اصولاً جبران خسارت غیرمالی به روش مالی امکان پذیر است؟ آیا بین خسارت وارده و جبران خسارت، تناسبی وجود دارد؟ این طریقه جبران خسارات معنوی در نظام‌های حقوقی غرب که تجربه طولانی‌تری در این زمینه دارند جایگاهی وسیع یافته است. در این نظام‌ها قوای مقننه با تصویب قوانین متعدد و صریح روش‌های مطلوبی را جهت جبران خسارات معنوی به روش مادی مقرر داشته‌اند. محاکم قضائی به ویژه دادگاه‌های عالی نیز بر ضرورت جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت پول یا اموال مادی پا فشرده‌اند (viney, 1998, 205).

در حقوق ایران عمده‌ترین ادله‌ای که بر ضمان مالی دلالت می‌کند، قاعده اتلاف، تسیب و علی الید می‌باشد، اما این قواعد در مورد اموال صدق نموده و بر متعلق خسارت معنوی نمی‌توان عنوان نام گذارد. عدم صدق «مال» بر زیان‌های معنوی است، زیرا در مفهوم مال آمده است که مقوم اصلی آن، رغبت معاملی عقلاء است و هرگز عقلاء ارزش معاملی بر حیثیت و آلام روحی نمی‌گذارند و معامله آلام روحی و حیثیات و عواطف نمی‌کنند، در حالی که مورد اجرای قواعد مزبور «مال» می‌باشد پس چون بر خسارت معنوی، مال، صدق نمی‌کند، این قواعد نیز نمی‌تواند مستند ادعا، باشد. علیرغم عدم شمول قواعد فوق‌الذکر بر خسارت معنوی، به نظر می‌رسد این گونه خسارات مشمول قاعده لاضرر بوده و بر این اساس باید جبران شوند. با این توضیح که برخی از روایات مستند قاعده لاضرر بر خسارت معنوی دلالت می‌کنند. برای مثال از امام صادق (ع) نقل شده است: «شایسته نیست مرد، زن خویش را طلاق دهد سپس بدون این که به او رغبت بورزد به او رجوع کند و برای بار دوم طلاق دهد؛ این همان ضرری است که خداوند از آن نهی فرمود، مگر آن که پس از طلاق وقتی رجوع می‌کند به قصد نگه داشتن او باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ۴۰۲). در این روایت، رجوع به طلاق برای ازدواج مجدد، در صورتی که بدون میل و رغبت باشد، چون موجب تحمیل فشار روحی، روانی و تنگی بر زوجه است ممنوع اعلام شده است. در این زمینه بیان شده است «رجوع برای

طلاق مجدد چون بدون میل و رغبت می‌باشد موجب تحمیل فشار روحی و روانی بر زوجه است و این از مصادیق خسارت معنوی به شمار می‌آید و ممکن است رجوع به جهت واداشتن او به بخشیدن مهریه باشد که در این صورت، خسارت مادی خواهد بود و ممکن است رجوع برای هر دو با هم باشد که در این صورت رجوع بدون رغبت می‌تواند موجب خسارت مادی و معنوی باشد» (نقیبی، ۱۳۸۶، ۱۸۹). برخی دیگر ضمن حرام دانستن ایراد خسارت معنوی به دیگران از منظر فقه امامیه بیان نموده‌اند: «آنچه از مجموع آیات و روایات به وضوح استنباط می‌شود این است که شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد دارای احترام و ویژه‌ای است که باید از سوی دیگران محترم شمرده شود و حکم شرعی در خصوص ایراد خسارت معنوی، حرمت است. پس براساس حکم شرع و عقل، حکم تکلیفی حرمت بر اعمال موجب خسارت معنوی، ثابت می‌باشد. بر این اساس تا وقتی که آثار زیان معنوی از زیان دیده زدوده نشود، اثر حرمت باقی است و برای از بین بردن پایداری و ادامه زیان، باید زیان معنوی جبران شود و ضرورت جبران خسارت معنوی ثابت است» (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ۱۱۴).

با این وجود از آنجا که شیوه جبران کامل یا اعاده وضع در بسیاری موارد امکان‌پذیر نیست، برای مثال در صورتی که به دلیل فوت یکی از بستگان شخص، وی متحمل درد و آلام غیرقابل تحملی گردد، در این صورت مطلقاً امکان بازگشت فرد به حالت قبل وجود ندارد. از سویی دیگر منبع ضرر نیز به صورت مستمر وجود ندارد تا حکم به توقف منبع ضرر گردد. همچنین به نظر می‌رسد به صرف عذرخواهی از ایشان، ضرر وارده به نحو کامل جبران نگردد. بنابراین تنها راهی که برای جبران خسارت باقی می‌ماند، پرداخت خسارت و یا دادن پول و یا هر نوع مال دیگری است. البته باید توجه نمود در جبران خسارت معنوی ناشی از فوت بستگان، تعیین اشخاصی که حق مطالبه این خسارت را دارند، امری مهم قلمداد می‌شود. کشورهای متفاوت شیوه‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. برای مثال به موجب قانون مصوب ۱۹۸۲ انگلستان، همسران و شریکان مدنی جنسی ثبت شده و والدین یک بچه صغیر حق اقامه دعوی شخصی برای مطالبه خسارت معنوی خواهند داشت و هیچ مدرکی برای اثبات دعوا لازم نیست و این دعوا صرفاً مبتنی بر رابطه خویشاوندی است (koziol, 2008, 56).

در نظام حقوقی ایران نیز برخی بر این باور هستند که در صورت فوت شخص، اگر به بازماندگان وی خسارت معنوی برسد این خسارت باید جبران شود. ایشان وجود درجه قرابت را به عنوان اماره وجود رابطه عاطفی بین متوفی و بازماندگان وی قلمداد نموده و بر این باور هستند که این اشخاص می‌تواند دعوی مطالبه خسارت معنوی را مطرح نمایند. البته ایشان ادامه می‌دهند که در امکان اثبات خلاف قاعده مذکور وجود

دارد، بنابراین چه بسا شخصی علیرغم داشتن رابطه قربابت از فوت شخص دیگری متاثر نگردد (برای مثال زن و شوهری که عملاً چند سال دور از یکدیگر زندگی نمایند)، در مقابل شخصی ممکن است علیرغم نداشتن رابطه قربابت، از فوت متوفی به شدت رنج دیده و متحمل خسارت معنوی گردد (برای مثال نامزد) (آجری آیسک، ۱۳۹۵، ۲۹). این شیوه هرچند معمولاً جبران نسبی یا ناقص خسارت برگزیده را به دنبال دارد، اما غالباً پرداخت خسارت و یا دادن پول و یا هر نوع مال دیگری و یا انجام فعل و یا ترک فعلی است که به داوری عرف جایگزین مناسب و عادلانه‌ای برای خسارت وارده و آنچه زیان‌دیده از دست داده محسوب می‌شود و در غالب موارد می‌تواند تسلی بخش و ارضاء‌کننده خاطر او باشد.

تعیین نوع میزان خسارت و انتخاب شیوه جبران و صدور حکم بر چگونگی جبران بر عهده دادگاه است. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به طور صریح به دادگاه اجازه داده است که برحسب اوضاع و احوال میزان زیان و طریقه و چگونگی جبران آن را تعیین نماید. همچنین در این ماده ۱۰ قانون فوق به روشنی جبران مالی خسارات معنوی پیش‌بینی شده است، اما در مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۸^{۲۹} قانون مزبور و اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی به طور ضمنی اشاره دارد. بر این اساس اگر اوضاع و احوال اقتضاء بر جبران مادی خسارت معنوی را داشته باشد، قاضی می‌تواند، بلکه در برخی از موارد مکلف است که حکم به جبران خسارت روش مادی خسارات معنوی نماید. نکته قابل توجه در مورد جبران خسارت معنوی به وسیله مال، سابقه این موضوع در فقه است. با این توضیح که اقدام حضرت علی (ع) در واقعه‌ای که طی آن یکی از سرداران از چهارچوب اختیارات خود تخطی نموده بود و تعدیاتی را بر عده‌ای از افراد روا داشته بود، حضرت علی (ع) مأمور جبران خسارات وارده بر این قوم می‌شود و طبق سوابق تاریخی موجود حضرت، عوض بیم و خوفی را که زنان و کودکان به دلیل تاخت و تاز اسبان تحمل کرده بودند

۲۷- ماده ۲: در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنان چه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

۲۸- ماده ۸: کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید.

۲۹- ماده ۹: دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زبردست بودن برای همخوابگی نامشروع شده می‌تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

می‌پردازد (ادریس، ۱۳۷۲، ۷۲). بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌گردد، نه تنها در حقوق ایران، بلکه در فقه نیز سابقه خسارت معنوی و جبران آن به وسیله پرداخت مابه‌ازا تعیین گردیده است.

جبران خسارت از طریق دادن معادل (مابه‌ازا مالی) به صورت پولی، یکی از رایج‌ترین روش‌های جبران خسارت معنوی (برای مثال خسارت هتک حیثیت) در انگلستان است. البته در کنار جبران خسارت به صورت پولی، دادگاه در برخی از موارد می‌تواند به احکام دیگری نیز حکم دهد. برای مثال در هتک حیثیت دادگاه می‌تواند ضمن محکوم نمودن فرد خاطی به پرداخت خسارت به صورت پولی، خواننده را مکلف نماید تا خلاصه‌ای از حکم دادگاه را منتشر نماید یا دستور دهد موارد توهین‌آمیز بر روی وبسایت‌های اینترنتی حذف یا جریان توزیع و یا فروش مطالب توهین‌آمیز متوقف گردد. البته در نظام حقوقی انگلستان، عذرخواهی خواننده در اولین فرصت ممکن می‌تواند منجر به تخفیف در ارزیابی خسارت وارده گردد (Harpwood, 2000, 379). به نظر می‌رسد که این مبنا در نظام حقوقی ایران نیز قابل دفاع باشد. برای مثال اگر پس از هتک حیثیت، خواننده اقدام به عذرخواهی از خواهان نموده باشد، دادگاه می‌تواند به استناد بند اول ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به خواننده تخفیف دهد. براساس بند اول ماده ۴ قانون مذکور، دادگاه می‌تواند در میزان خسارت تخفیف دهد.

۳-۲- دستور به پرداخت خسارت تنبیهی

یکی دیگر از روش‌های مالی جبران خسارت معنوی دستور پرداخت خسارت تنبیهی است. این روش که غالباً در کشورهای حقوق کامن‌لا مخصوصاً انگلستان مورد استفاده قرار گرفته است، در حقوق ایران نیز قابل دفاع است. همانگونه که از نام این خسارت نیز استنباط می‌شود منظور از این خسارت صرفاً جبران خسارت نمی‌باشد. در همین راستا در تعریف خسارت تنبیهی بیان شده است: «عبارت است از مبلغی که علاوه بر خسارت ترمیمی به دلیل وقوع عمد یا سوءرفتار خواننده به نفع خواهان رأی داده می‌شود» (مقصودی پاشاکی، ۱۳۸۸، ۶۲). فرهنگ حقوقی بلک در تعریف خسارت تنبیهی بیان داشته‌اند: «درجه افزایش یافته‌ای از خسارت‌ها می‌باشد، که در جایی که خواننده در ایراد زیان، رفتار توأم با بی‌احتیاطی، سوءنیت یا خدعه از خود بروز داده است، به نفع خواهان حکم داده می‌شود» (Black, 1968, 164).

در حقوق انگلستان مفهوم خسارت تنبیهی به طور سنتی وجود داشته است به گونه‌ای که، این نهاد بدون آن که تحت قواعد و اصول معینی باشد، مورد حکم واقع می‌شده است و نخستین بار این نوع خسارت به صورت رسمی در دعوی ویلکز علیه وود در سال ۱۷۶۳ مطرح و در همان سال در دعوی هکل علیه مانی نیز مورد حکم واقع شد و تا سال ۱۹۶۴ همچنان محاکم این دعوا را پذیرفته و مورد حکم

قرار می‌دادند، تا این که در این سال، در دعوی روکز علیه برنارد مجلس اعیان برای صدور حکم به خسارت تنبیهی برخی محدودیت‌ها را ایجاد کرد. در این دعوا، مجلس اعیان به خصوص لرد دولین به تدوین و تبیین اصول و قواعد حاکم بر این نوع خسارات پرداخت. مورد دیگری که صدور حکم خسارت تنبیهی در آن زمینه امری شایع می‌باشد، خسارت ناشی از کار است. البته لازم به ذکر است که این نهاد جایگزین کیفر برای کارفرما شده است (خدابخشی، ۱۳۸۸، ۱۱۴). در خسارت تنبیهی هنگامی که خوانده از روی بی‌احتیاطی و سوءنیت ایراد خسارت می‌کند، خسارت تنبیهی به نفع خواهان مورد حکم قرار خواهد گرفت (Black, 1968, 164). به عبارت دیگر در عمل، دادگاه‌ها زمانی حکم به خسارت تنبیهی می‌دهند که سایر خسارات مورد حکم، برای تنبیه خوانده و بازداشتن او از ارتکاب آن رفتار نادرست کافی نباشد (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۲۳). خسارت تنبیهی، معمولاً در بحث شبه جرم یا مسئولیت مدنی بررسی می‌شود، در شبه جرم رابطه قبلی بین فرد زیان دیده و فردی که عمل زیان بار را مرتکب شده وجود ندارد (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۵).

نویسندگان حقوق کامن لا در تبیین ماهیت خسارت تنبیهی اتفاق نظر ندارند. عده‌ای ماهیت خسارت تنبیهی را نوعی ضمانت اجرای مدنی دانسته‌اند (Curcio Andrea, 2006, 343). این در حالی است که برخی دیگر با ماهیت خسارت دانستن خسارت تنبیهی مخالف بوده و به کاربردن واژه خسارت را برای خسارت تنبیهی درست نمی‌دانند. اینان بر این باور هستند که خسارت باید دارای جنبه ترمیمی باشد در حالی که خسارت تنبیهی این کارکرد را ندارد و به همین دلیل ماهیت خسارت تنبیهی را نوعی جریمه دانسته و اصلاح جریمه را مناسب‌تر دانسته‌اند.^{۳۱} به عبارت دیگر چنین شروطی در سیستم حقوقی عرفی، نه تنها خسارت ناشی از نقض عقد را برآورد نمی‌کند، بلکه ابزاری جهت اجبار و تهدید متعهد به اجرای تعهد و تنبیه او در صورت استکفاف از اجرای تعهد می‌باشد. باید توجه نمود که پرداخت خسارت تنبیهی زمانی ممکن است که ارکان تحقق مسئولیت مدنی فراهم باشد. به عبارت دیگر ابتدا باید فعل زیان باری از فرد خاطی عملی شود و این عمل نیز زیانی به بار آورد. حال پس از اثبات رابطه سببیت میان فعل خوانده و ضرر، خواهان می‌تواند مطالبه خسارت اعم از ترمیمی و تنبیهی نماید. به عبارت آخری، پرداخت خسارت تنبیهی فرع بر خسارت ترمیمی است. فلذا ورود ضرر جزء شرایط مطالبه خسارت تنبیهی دانسته شده است (خدابخشی، ۱۳۸۸، ۳۲۳).

۴- شیوه‌های غیرمادی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران و انگلستان

علاوه بر شیوه‌های مادی جبران خسارت، برخی از روش‌های جبران خسارت جنبه مالی نداشته، اما به نحو مطلوبی در جبران خسارت نقش خواهند داشت. اهمیت روش مالی جبران خسارت معنوی و دادن معادل خسارت نباید ما را از نقش بسیار مؤثر روش‌های غیرمالی در جبران خسارت‌های معنوی غافل کند. روش‌های غیرمالی نیز معمولاً با هدف جلب رضایت و خشنودی زیان‌دیده اعمال می‌شود. الزام به عذرخواهی از هتک حرمت شخصی حقیقی یا حقوقی، اعلام حکم محکومیت فاعل زیان (خواننده)، درج حکم در جراید، حق پاسخگویی متقابل و تکریم زیان‌دیده از مصادیق جبران غیرمالی خسارت معنوی هستند.

۴-۱- عذرخواهی و اعاده حیثیت از زیان دیده

بهترین روش جبران خسارت، جبران عینی خسارت و بازگرداندن زیان دیده به حالت قبل از وقوع فعل زیان بار است. منظور از جبران عینی خسارت این است که ضرر به نحوی جبران شود که گویی از اصل زبانی وارد نشده است. با توجه به این که خسارت معنوی به جسم و اموال اشخاص وارد نمی‌شود، بلکه به آبرو و حیثیت تجاری و یا روح و روان اشخاص وارد می‌شود، امکان جبران عینی خسارت بسیار ضعیف است. به همین دلیل در این نوع خسارات با توجه به شخصیت‌های متفاوت افراد و همچنین با توجه به تأثیرات متفاوتی که ممکن است اعمال زیان بار بر هر شخصی بگذارد، روش‌های جبران خسارت نیز با یکدیگر از فردی به فرد دیگر متفاوت می‌باشد. بنابراین اگر در پرونده‌ای با توجه به شخصیت فردی، قاضی به این نتیجه برسد که عذرخواهی زیان‌زننده تا حد بسیار زیادی آثار عمل زیان بار را از بین می‌برد، باید در این زمینه اقدام به صدور حکم مبنی بر الزام به عذرخواهی نماید. البته در این زمینه قاضی می‌تواند دستور انتشار عذرخواهی را در جراید را نیز صادر نماید. برای مثال مثلاً در مواردی که شخصی به دیگری تهمت بزند (یا افترا ببندد)؛ در صورتی که این تهمت (افترا یا توهین) در نتیجه اغفال دیگری باشد یا شخص از زیان دیده عذرخواهی نماید و بدین ترتیب میزان خسارت را تقلیل دهد یا این که زیان دیده خود به بدنامی مشهور باشد؛ دادگاه میزان خسارت قابل پرداخت را کاهش خواهد داد (داراب پور، ۱۳۷۷، ۱۰).

البته لازم به ذکر است نمی‌توان معنویات را با پول ارزیابی کرد و نمی‌توان دقیقاً گفت که حیثیت بر باد رفته چند تومان می‌ارزد و یا این که غم از دست رفتن فرزند برای مادر چقدر قیمت دارد. به عبارت دیگر «بشر از این محاسبه عاجز است و عقل سلیم می‌گوید که این گونه خسارات معنوی قابل ارزیابی به پول نیست ولی همان عقل سلیم می‌گوید که اگر قرار باشد در مورد زیان‌های معنوی متجاوز با یک عذرخواهی از چنگال قانون برهد این امر ترحم و تشویقی است برای پلنگان تیزدندان و ستمی است بر

گوسفندان دنیای خاکی» (پروین، ۱۳۷۹، ۳۸۲). الزام به عذرخواهی زیان زنده از زیان دیده و یا خانواده، توسط بسیاری از حقوقدانان دیگر نیز به عنوان روشی برای جبران خسارت مورد تأیید قرار گرفته است.^{۳۱} در تبصره اول^{۳۲} ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز الزام به عذرخواهی به عنوان یکی از طرق جبران خسارت صراحتاً به رسمیت پذیرفته شده است. در پایان متذکر می‌شود که عذرخواهی به دو روش ساده و شفاهی و یا عذرخواهی از طریق درج در جراید و دارای تشریفات تقسیم می‌شود. دادگاه با توجه به میزان اثر فعل زیان بار، می‌تواند نوع عذرخواهی را تعیین نماید.

۲-۴- موقوف نمودن و یا از بین بردن منبع ضرر

همانگونه که بیان شد، جبران خسارت معنوی از شخصی به شخص دیگر و همچنین در هر مورد با یکدیگر متفاوت می‌باشد. قاضی هر پرونده باید با بررسی پرونده و شرایط و اوضاع و احوال بهترین روشی که به وسیله آن رفع ضرر از زیان دیده ممکن است را باید تعیین نماید. بنابراین روش‌های جبران خسارت معنوی تمثیلی بوده و نمی‌توان تمامی این روش‌ها را احصاء نمود. هرچند که مهم‌ترین این روش‌ها همواره مورد توجه قانونگذار و دکتربین و رویه قضایی قرار گرفته است. برای مثال تبصره اول ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن اشاره به مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت، به تمثیلی بودن این روش‌ها اشاره نموده است. براساس این تبصره دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم کند. در این تبصره قانونگذار شایع‌ترین روش‌ها را بیان نموده است. در پایان تبصره مذکور نیز با استفاده از عبارت «و امثال آن» به تمثیلی بودن این روش‌ها اشاره نموده است.

بنابراین هیچ معنی ندارد که قاضی با توجه به شرایط هر پرونده؛ روشی جدید اما معقول برای جبران خسارت معنوی در نظر بگیرد. برای مثال در صورتی که خسارت در نتیجه ارباب و تهدید صورت گرفته است و خوف جانی برای خانواده زیان دیده وجود داشته باشد، ترس ایجاد شده نوعی خسارت بوده که برای جبران آن می‌توان تهدیدکننده را از رفت و آمد در محل کار و یا زندگی تهدیدشونده منع نموده و

۳۱- ر.ک: زراعت، عباس؛ حاجی زاده، حمیدرضا؛ متولی جعفرآبادی، یاسر، ۱۳۸۸؛ قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران، انتشارات خط سوم، ص ۶۳.

۳۲- تبصره ۱: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

یا حکم به ترک محل تهدیدشونده داده و مانع از اقامت وی در مکانی خاص گردید. به صورت کلی می‌توان بیان نمود، در مواردی که ایراد خسارت به صورت مستمر بوده، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید صورت گیرد، دستور به جلوگیری از تشدید خسارت به وسیله از بین بردن منبع ضرر است. البته باید توجه نمود در مواردی که ایراد خسارت، آنی صورت گرفته است، دستور به از بین بردن منبع ضرر، سالبه به انتفاء موضوع است.

نتیجه

در حال حاضر، اکثر سیستم‌های حقوقی اصل جبران خسارت معنوی را به رسمیت شناخته‌اند. هر چند هیچ کس در این اصل تردید ندارد، اما در مورد شیوه‌های جبران خسارت معنوی اختلاف نظرات بسیار زیاد است. به طور کلی، روش‌های جبران خسارت به روش‌های مالی جبران خسارت و روش‌های غیرمالی جبران خسارت قابل تقسیم است. صرف‌نظر از این روش‌ها در صورتی که منبع ورود ضرر مستمر باشد، به نظر اولین اقدامی که دادگاه انجام می‌دهد، باید با توقف منبع ورود ضرر و با از بین بردن آن از ورود ضرر جلوگیری نماید. در این راستا، دادگاه می‌تواند هر اقدامی که در این زمینه لازم باشد (از قبیل منع اقامت عامل زیان در محل مشخص و یا دستور به اخراج وی از محل مشخص) را صادر نماید.

یکی از ابهاماتی که در زمینه جبران خسارت معنوی به روش مالی وجود دارد، عدم امکان تقسیم خسارت معنوی است. این در حالی است که در بسیاری از خسارات مادی که مال مورد خسارت قیمی است، نیز امکان تعیین دقیق میزان خسارت مادی وجود ندارد. علاوه بر این امکان پرداخت مال در مقام جبران خسارت کلی در همه موارد مورد تأیید است، زیرا دادگاه با توجه به اوضاع و احوال موجود و در صورت ضرورت دستور به جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت مال صادر می‌نماید. به نظر می‌رسد در صورتی که واردکننده زیان در ورود ضرر تعمد و سوءنیت داشته باشد، به دلیل حفظ بازاریابی، هیچ منعی در استفاده از خسارت تنبیهی که در حقوق انگلستان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد وجود ندارد. علاوه بر روش‌های مالی، امکان جبران خسارت از طریق روش‌های غیرمالی همچون عذرخواهی نیز امری شایع و مقبول در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آجری آیسک، عاطفه، ۱۳۹۵، دعاوی بازماندگان برای مطالبه خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی، **مجله حقوق دادگستری**، شماره ۹۶.
- اسماعیلی، محسن، ۱۳۷۷، **نظریه تعهدات**، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین، ۱۳۸۲، جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**، شماره ۹ و ۱۰.
- پروین، فرهاد، ۱۳۷۹، **خسارت معنوی در حقوق ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- تقی‌زاده، ابراهیم؛ خسروی فارسانی، علی؛ موسی پور، میثم، ۱۳۹۱، ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق کامن لا (با مطالعه تطبیقی)، **دوفصلنامه دانش حقوق مدنی**، شماره ۱.
- حسینی مدرس، مهدی و گلشنی، عصمت، ۱۳۹۲، طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در انگلستان و طرح آن در حقوق ایران، **دوفصلنامه دانش حقوق مدنی**، شماره ۲.
- حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۸۹، **مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- خالقی، علی، ۱۳۹۵، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- خدابخشی، عبدالله، ۱۳۸۸، پیشگیری حوادث ناشی از کار، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۸.
- داراب پور، مهرباب، ۱۳۷۷، **قاعده مقابله با خسارات**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- داراب پور، مهرباب، ۱۳۸۷، اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی**، شماره ۴۴ و ۴۵.
- دیانی، عبدالرسول و ابراهیم باستانی، معصومه، ۱۳۹۶، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس، **تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل**، شماره ۳۳.
- رحیمی، حبیب‌الله، ۱۳۹۲، **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- زراعت، عباس؛ حاجی زاده، حمیدرضا؛ متولی جعفرآبادی، یاسر، ۱۳۸۸، **قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات خط سوم.

- هدایتی محبوب، ابوالفضل و اسدی، محمدحسن، ۱۳۹۸؛ نقدی بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری،

فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۶.

- قاسم‌زاده، سیدروح‌الله؛ پارساپور، محمدباقر؛ علوی، سیدمحمدتقی، ۱۳۹۰، جریمه‌های قضایی و شروط جزایی در

حقوق انگلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران)، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۷۴.

- محمدی، پژمان؛ مرادپورشاد، امیر؛ مبین، حجت، ۱۳۹۷، تأثیر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در

امکان مطالبه خسارت معنوی و عدم النفع در نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوق

خصوصی، شماره ۲۴.

- مقصودی پاشاکی، رضا، ۱۳۸۸، مطالعه تطبیقی وجه التزام، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده

حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

- مرادزاده، حسن و رضوی، فهیمه سادات، ۱۳۹۵، شیوه‌های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک

زوجین، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۴.

- موحد، محمدعلی، ۱۳۵۲، مختصر حقوق مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه‌های حسابداری و

علوم مالی.

- نقیبی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، نظریه جبران مالی خسارت معنوی در حقوق اسلامی، مجله مطالعات اسلامی،

شماره ۷۶.

- نیک فرجام، زهره، ۱۳۹۲، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۱.

عربی

- ادریس، احمد، ۱۳۷۲، دیده، ترجمه دکتر علیرضا فیض، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

سلامی.

- حر عاملی، ۱۴۱۴ق، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد پانزدهم، بیروت، دار

الاحیاء التراث العربی.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، مرآة العُقُول فی شرح اخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب

الاسلامیه.

لاتین

- Black, H., 1968, Campbell, Black's law Dictionary, Fourth edition, West Publication, London.
- Cees Vandam, 2006, European Tort Law, Oxford University Press.
- Curcio Andrea A., 2006, Painful Publicity- an Alternative Punitive Damage Sanction.
- Koziol, Helmut and Barbara C. Steininger, 2008, Tort and Insurance Law Yearbook, Springer.
- Kemp and Kemp, 1993, the Quantum of damage v.3 law com.
- Viney, G., 1998, Traite de Droit Civil, Paris Jurisprudence, Librairie General de Droit et.
- Vivienne Harpwood, 2003, Modern Tort Law, Cavendish Publishing Limited.
- Zimmermann, R., 2011, Comparative Report. In: Winiger B., Koziol, B., Koch, B. & Zimmermann R., Digest of European Tort Law, Vol. 1.
- Harpwood, Vivienne, 2000, Principles Of Tort Law, London, fourth edition, Cavendish Publishing Limited.
- Socha, Michael, 2004, Double Standard: A Comparison of British and American Defamation Law, Penn State International Law, R: vol. 23, No. 2.

